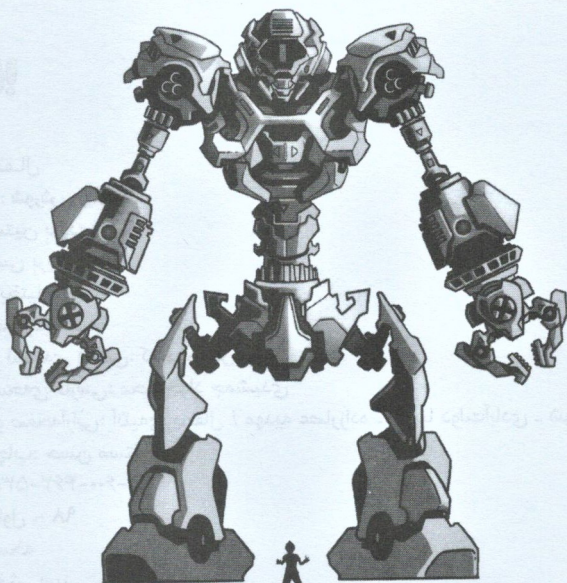


تلاش برای

شورش روباتها



نویسنده داستین بریدی

تصویرگر جسی بریدی

مترجم رضا بختیاری

فهرست

۷	مقدمه: اگر احیاناً کتاب‌های قبلی را نخوانده‌اید
۹	فصل ۱: هرج و مرج
۱۶	فصل ۲: دختر روباتی
۲۲	فصل ۳: بدنه
۲۸	فصل ۴: مرحله‌ی یک
۳۵	فصل ۵: دنیای ابرروبات‌ها
۳۹	فصل ۶: جنون در معدن
۴۴	فصل ۷: فصل حفاری
۵۰	فصل ۸: آگه به چپ بیچپونی شل می‌شه
۵۵	فصل ۹: گودال ناامیدی
۵۷	فصل ۱۰: انفجار شماره‌ی سه
۶۳	فصل ۱۱: قُل قُل
۶۹	فصل ۱۲: چندتا سیب‌زمینی و کلی پیرانا
۷۳	فصل ۱۳: حالت غیرممکن
۸۲	فصل ۱۴: تخم مرغ آب‌پز
۸۶	فصل ۱۵: بیلی پسر روباتی
۹۴	فصل ۱۶: تپه‌ی باتلاقی
۹۸	فصل ۱۷: پارک بچه‌ها
۱۰۵	فصل ۱۸: گولیاترون
۱۱۳	فصل ۱۹: موشک
۱۱۷	فصل ۲۰: ۱، ۲، ۳...
۱۲۱	فصل ۲۱: روز دوم مارک
۱۲۷	درباره‌ی نویسنده
۱۲۸	دانستنی‌های بیشتر

فصل ۱

هرج و مرج

«ویبیرررررر!»

هرچه صدای اطرافمان بلندتر می‌شد، لرزش بیشتری در سینه‌ام حس می‌کردم.

«ویبیرررررر!»

حس می‌کردم که قرار است یک آتشفشان از سینه‌ام بیرون بزند. تا حالا چنین حسی داشته‌اید؟ حس خوبی نیست.

«ویبیرررررر!»

البته من اصلاً مشکلی با صدای اطرافم نداشتم. مشکل صدها قفسه‌ی پُر از قطعات کامپیوتری بود که همزمان خراب شده بودند و داشتند با سرعت وحشتناکی تمام آدم‌بدهای دنیای بازی را می‌انداختند توی دنیای واقعی.

«ویبیرررررر!»

آخوندک‌های فضایی که هم‌قد آدم‌ها بودند، دایناسورها، موجودات حبابی و چیزی که شبیه یک جور اژدهای روباتی شعله‌افکن بود.

«ویبیرررررر!»

همه‌شان به نظر گیج و عصبانی بودند. احتمالاً به این خاطر که از آرامش و آسایشی که در دنیای قلبی بازی داشتند بیرون کشیده شده و توی زیرزمین خیلی خیلی واقعی و خیلی پرسر و صدای یک شرکت بازی‌سازی شیطان‌ی افتاده بودند. من گوش‌هایم را با دست گرفتم و تنها کسی را که می‌توانست کاری بکند، صدا زد: «آقای گرگوری! یه کاری بکنین!»